

نگاه متفاوت

اندیشه‌های نو برای حل مسائل جامعه

نویسنده: ناصر روشن فکر

عضو هیئت علمی دانشگاه

تابستان ۱۴۰۰

انتشارات ادیب قزوین



سرشناسه	۶
عنوان و نام پدیدآور	۶
مشخصات نشر	۶
مشخصات ظاهری	۶
شابک	۶
وضعیت فهرست نویسی	۶
یادداشت	۶
موضوع	۶
رده بندی کنگره	۶
رده بندی دیویی	۶
شماره کتابشناسی ملی	۶
وضعیت رکورد	۶



نگاه متفاوت

نویسنده: ناصر روشن فکر

ناشر: انتشارات ادیب قزوین

نوبت چاپ: چاپ اول - تابستان ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰

قیمت: تومان

صفحه آرای - طراحی جلد: خانم روشن فکر

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۲۲-۵۵-۹

چاپ و صحافی: موسسه چاپ فاضل - قم

«کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.»

مرکز پخش: قزوین - خیابان بوعلی - چهارراه فردوسی - کوچه ساحل

تلفن: ۰۲۸۳۳۳۳۵۰۵۰ - ۰۹۱۲۳۸۲۵۴۳۷

فهرست:

- ۱- مقدمه ۹
- ۲- بررسی نتایج تحقیقات متفاوت نگاه کردن و یا متفاوت فکر کردن
آلبرت انیشتین ۱۷
- ۳- شاخص‌هایی برای تقویت هوش و خلاقیت که متفاوت نگرستن و
فکر کردن را تقویت می‌کنند ۳۲
- ۴- ارائه مدل‌های انسانی که با نگاه متفاوت تحولات شگرفی ایجاد
کرده‌اند ۴۴
- ۵- ارائه مدل‌های انسانی درنده و ناپاک که با حماقت خود به تخریب
شهرها و نابودی جوامع پرداختند ۹۰
- ۶- مقایسه و ارزیابی مدل‌های انسانی شرافتمند با الگوهای انسانی
درنده‌خو و گرگ صفت ۹۷
- ۷- در نگاه متفاوت انسان‌های شرافتمند سنگ فرش هر خیابان از
طلاست ۱۰۸
- ۸- نگاه متفاوت یعنی یک جور دیگر دیدن و برداشت متفاوت عمیق
داشتن ۱۲۸
- ۹- نتیجه‌گیری و ارائه راهکار ۱۵۳
- منابع علمی ۱۷۱

به نام خدا

۱- مقدمه

خلقت انسان را اگر به کارخانه‌ای پیچیده تشبیه کنیم، این کارخانه در پنل حیاتی خود از سیستم ابزار دقیق و هوشمندی به نام حواس پنجگانه استفاده می‌کند. حس بینایی، حس شنوایی، حس بویایی، حس لمس کردن و حس چشایی که چنان که این حواس پنجگانه هماهنگ و همسو عمل کنند، حس دیگری به نام حس ششم وارد میدان عمل می‌شود.

که عملکرد آن غوغا می‌کند. ما انسان‌ها را پدران و مادران از لحظه تولد تحت مراقبت‌های بهداشتی، تغذیه سالم قرار می‌دهند و برای سرگرم شدن مان اسباب بازی‌های مورد علاقه‌مان را در دسترس ما قرار می‌دهند و شرایط هر نوع بازی و بازیگوشی و شاد و با نشاط بودن را برای مان فراهم می‌نمایند. در راه رفتن و صحبت کردن یاری مان می‌کنند و بعضاً اگر توان مالی خانواده اجازه دهد ما را در چند کلاس خصوصی نقاشی یا موسیقی و یا صنایع دستی و ... ثبت نام می‌کنند. و در نهایت وقتی به سن ۶ سالگی رسیدیم ما را تحویل مدرسه داده و در مدرسه تحت آموزش و تربیت‌های از قبل دیکته شده بر اساس سنت سال‌های گذشته قرار

می‌دهند که در نهایت خواندن و نوشتن و درک کردن مفاهیم اولیه حساب و ریاضی را فرا گیریم. و در آموزش دوره متوسطه هم اتفاقاتی بالاتر از موارد فوق روی نخواهد داد و حتی دانشگاه‌ها هم که رسالت تربیت جوانان متخصص و کارشناس و کارشناس ارشد و دکترهای نظریه پرداز و پژوهش‌گر را عهده دارند. در جهت انسان‌سازی و تحویل انسان‌های به معنی واقعی انسان و به دور از خصوصیات عالم وحوش کمتر مشاهده می‌کنیم. و شاید یکی از دلایلش همین باشد که آموزنده‌ها به آموزش گیرنده‌ها هرگز یادآور نمی‌شوند که نگاه کردن یا نگاه کردن عمیق تفاوت دارد. شنیدن با شنیدن تحلیل‌گرانه فرق دارد و بوییدن با بوییدن پرسش‌گرانه فرق دارد. لمس کردن با لمس کردن سرشار از عاطفه تمایز دارد و چشیدن با چشیدن مقایسه‌گرانه متفاوت است.

در این کتاب ما با این هدف که هر آنچه در پیرامون محیط زندگی‌مان روی حواس ششگانه‌مان تأثیر می‌گذارد. این تأثیرات برای تجزیه و تحلیل و برداشت و فهم از محیط با سیگنال‌هایی وارد مغزمان می‌شوند و مغز انسان نرم‌افزاری است که مبتنی بر داده‌های اولیه‌اش یعنی همان آموخته‌های ذخیره شده در مغز در خانواده یا محیط شروع به پردازش می‌کند و پس از پردازش بلافاصله خروجی

را صادر می‌کند که ما براساس آن خروجی واکنش نشان می‌دهیم. به عنوان مثال من این لحظه یک خبری را می‌شنوم یا می‌خوانم. نورون‌های شنوایی این پیام را به مغز می‌فرستند و مغز این پیام را با اطلاعات موجود قبلی خود مقایسه کرده و بلافاصله خروجی را با سرعت فوق‌العاده اعلام می‌کند که این خبر پار منفی داشته یا بار مثبت. خوشایند است یا دلخراش. طبیعی است از آن‌جا که انسان‌ها متفاوت‌اند و هیچ شباهتی به هم از نظر چهره و صدا و قد و اندازه و نوع آموزش و DNA و ژنتیک ندارند خبر فوق را عده‌ای خوش آیند و عده‌ای اضطراب‌آور برداشت می‌کنند. حال درک می‌کنیم که پردازش مغز با استناد به فایل‌های ذخیره‌شده مغزی انجام می‌شود و خود عمل پردازش مغز هم تحت تأثیر آموخته‌های قبلی و ذخیره-شده مغز صورت گرفته است. و همین‌طور سیگنال ورودی به مغز هم از نظر نوع ارسال و حس و حال و هوای شرایط محیطی ارسال سیگنال در پردازش مغز تأثیرگذار هستند. پس سه عامل (ورودی، پردازش، خروجی) که شیوه عملکرد مغز انسان می‌باشد، تحت تأثیر آموخته‌ها و یا حال و هوای محیط متغیرهایی هستند که بر روی هم تأثیر می‌گذارند. ورودی خوب سبب پردازش خوب در مغز و پاسخ مغز در خروجی پاسخ زیبایی خواهد داشت و به عکس ورودی

نامطلوب به مغز، باعث پردازش آشفته و در نهایت واکنش مغز و خروجی غلط خواهد شد. خلاصه مطلب این که ما در محیط اطرافمان خیلی چیزها، مناظر، اشخاص، ماشین‌ها و برج‌ها، کوه‌ها، فیلم‌ها و ... را می‌بینیم یا خیلی سخنان از اشخاص می‌شنویم و یا در مجلات می‌خوانیم. اگر ما به دیده‌ها و ... نگاه متفاوت داشته باشیم، می‌توانیم از این متفاوت دیدن‌ها روش‌هایی ابداع کنیم و یا قانون‌هایی بنویسیم و یا فرمول‌های استخراج کنیم یا ابزارهایی بسازیم که سه نوع تأثیر مهم در زندگی ما بگذارند:

۱- زندگی شخصی‌مان را بهبود دهند.

۲- کسب و کار ما را رونق دهند.

۳- سلامت جامعه ما را ضمانت کنند.

یعنی با تغییر رفتار، تغییر گفتار و تغییر پندار از کانال حواس شش‌گانه ورودی‌هایی به مغز ارسال کنیم که مغز پس از پردازش، ما را هدایت به سوی تصمیم‌گرفتن‌هایی بکند یا هدایت به سمت انتخاب کردن‌هایی بکند که تأثیرش تحول در زندگی‌مان و در کسب و کارمان و در ارتقاء جامعه‌مان باشد و محوریت را به خروجی‌های درست مغز داده و برای تقویت این بخش انسانی از وجودمان تلاش کنیم.